

اسلام، وظیفه تربیت را در درجه اول برعهده والدین و در مراتب بعد خانواده و معلم و جامعه و... می‌داند. این حق مسلم کودک است که چون بدنیا می‌آید پدر و مادر در جهت تربیت و تأمین نیازمندیهای وی بکوشند و درغیراین صورت پدر و مادر در انجام وظیفه خود تقصیر نموده، تکلیف الهی خود را انجام نداده‌اند. مادران نوشتار برآن نیستیم که پیرامون تربیت و کیفیت آن بطور کلی بحث کنیم، بلکه موضوع نوشتار ما اشاره‌ای است به پاره‌ای حقوق که اسلام برعهده پدر و مادر این مهمترین

اهمیت تربیت فرزندان، امری است که نیازی به بیان ندارد. دهها قرن است که علمای و دانشمندان پیرامون این امر مهم بحثها و تحقیقها نموده، در اطراف آن کتابها نگاشته‌اند اما آنچه همواره مورد بررسی و مطالعه بوده است ضرورت تربیت و اهمیت آن نبوده است، که این واضح و آشکار است و مقدمه بر مسئله‌ای بسیار مهم که آن کیفیت تربیت است و دیگر اینکه تربیت برعهده چه کسی است.

مهمترین دوران تربیت پذیری سنین کودکی است

عوامل تربیت فرزندان نهاده است. باید گفت که تربیت دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و در ابعاد مختلف آموزش و پرورش روان و پرورش جسم و اخلاق و... مطرح است. مهمترین دوران تربیت پذیری سنین کودکی است و کودک در این سنین بسیار تأثیر پذیر بوده، هر چه فراگیرد چون نقشی بر لوح در وجود وی ثبت خواهد شد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

"محفوظات طفل نوری مانند نقشی است که بر سبک رقم‌زنند و محفوظات انسان بزرگ چون نوشته‌ای بر آب"

کیفیت تربیت کودک مسئله‌ای است که روانشناسان و دانشمندان بسیار، نظریاتی به وسعت صدها کتاب در اطراف آن ارائه داده‌اند و این وظیفه خطیر را نیز هر یک برعهده کسی نهاده است. برخی چون افلاطون تربیت را وظیفه دولت و برخی وظیفه والدین و... دانسته‌اند.

هریک از مکاتب نیز نظریاتی در این باره داده‌اند، اما بیش از تمامی مکاتب و مذاهب و دانشمندان و... اسلام است که اساس تربیت صحیح فرزندان را تعیین و عوامل تربیت ایشان را مشخص کرده است.



و این حدیث خود بیانگر اهمیت کیفی است
آموزشهاست به کودک .

اسلام درباره تربیت کودکان از سن کودکی
نیز گامها را عقبتر کشیده ، این امر مهم را از
دوران بارداری مادر ، یعنی زمانی که کودک
آینده ، دوران جنین بودن را طی می کند آغاز
می نماید . و اهمیت این دوران را تا بدانجا
می رساند که سعید و شقی شدن انسان را به این
دوران باز می گرداند .

پیامبر اکرم (ص) در این باره میفرماید :

" هر یک از شما در شکم مادر خود چهل روز
نطفه است ، پس از آن چهل روز علقه است ،
پس از آن خداوند فرشتهای به سوی او می فرستد
و او را به چهار کلمه مامور می سازد و می گوید
عمل و روزی و مرگ را و اینکه شقی است یا سعید
رقم بزن . پس از آن ، روح در او دمیده
می شود . "

نکته ای که در این حدیث نهفته است ،
نکته ای است بسیار مهم و امروز پس از چندین
قرن علم پزشکی و روانشناسی پی برده است که
تربیت دوران جنینی تا چه حد در انسان آینده
مؤثر است و این تربیت تا حدی است که انسان
فردا را یا شقی و یا سعید می سازد .

کوچکترین افکار ، اعمال ، نیات ، روحیات و
رفتار مادر و نیز وضع تغذیه و استراحت او در
این دوران ، در روح و جسم طفل مؤثر و
سازنده است لذا پایه های اصلی و در حقیقت
زیر بنای تربیت اعم از تربیت جسم و روح در
این دوران بنا می شود و تربیت صحیح جنین و
رسیدگی به آن حق مسلم فرزندی است که متولد
خواهد شد .

اسلام از روانشناسی دقیق و موشکافانه ای در
تربیت برخوردار است تا بدانجا که نام نهادن
برای کودکان را از حقوق بزرگ ایشان دانسته و
حتی مروی است که در قیامت از جمله مواخذات
والدین درباره انتخاب و اختیار نام برای
فرزندان است و اینکه آیا والدین این حق
فرزندان را ادا کرده اند یا نه ! چرا که نام شخص
کلمه ای است که از ابتدای عمر تا انتهای آن هزاران
بار بدان خطاب می شود و اگر این نام در بردارنده
معنایی نبد و یا حتی نامی باشد بی معنا ، چون
ناسزائی است که هر روز چندین بار کسی را بدان
خطاب کنند و یا اگر نامی باشد نیک و خوش
مفهوم از نظر روانی بسیار مؤثر در اخلاق و
روحیات شخص واقع میشود . درباره تسمیه
کودکان روایات بسیاری منقول است از جمله
حدیثی است از پیامبر اکرم (ص) :

" از جمله حقوق فرزند بر پدر آن است که او را
نوشتن آموزد و نام او را نیک انتخاب کند و هنگام
بلوغ او را همسر دهد . "

و نیز حضرت علی (ع) می فرماید :

" حق فرزند بر پدر آن است که نام فرزند را
نیکو قرار دهد و او را با ادب و آراسته بار آورد و
قرآن را به او بیاموزد "

از مهمترین حقوق دیگری که اسلام برای
فرزندان قائل است ، آموزش خواندن و نوشتن و
دین و مکتب بدانهاست . اسلام خود فرهنگی
است عظیم که خواهان انسانهایی است با فرهنگ
و در اولین آیات کریمه ای که بر پیامبر اسلام (ص)
وحی شد ، اشاره به این دارد که : ایند نوشتن
را به انسان آموخت و اوست که قلم را بدست
انسان داد .

اسم مهم نیازی به توضیح ندارد و ارزش

اسلامی واقع می‌شود، یعنی سال دوم پس از هجرت که تازه حکومت اسلامی پایه‌گذاری می‌شود و این خود به موضوع اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌بخشد. و این بدان معناست که حکومت اسلام تنها با بدست گرفتن قدرت و شکست دادن دشمنان در میدان جهاد پای نمی‌گیرد، بلکه باید پایه‌های حکومت را مستحکم نمود و استحکام

علم که از مقدمات اولیه آن خواندن و نوشتن و رهایی از جهل و بی‌سوادی است بر همگان آشکار است. باید توجه نمود که مسئله آموزش کودک امری اعتباری و زاینده زمان و موقعیت و جغرافیا و... نیست. بلکه امری است حقوقی که اسلام برای او تعیین نموده و آنکه باید این حق را ادا کند، کسی نیست جز پدر و مادر.



آن به زدودن جهل از میان مسلمین و با فرهنگ نمودن ایشان است که مقدمه آن فراگیری خواندن و نوشتن است. و این همان امری است که استعمار و دشمنان بشریت با آن مخالفت می‌ورزند و همواره بر آنند که ملت‌ها را در جهل و بی‌سوادی غوطه‌ور سازند و از پیشرفت سواد و ترقی اسباب برای دستیابی به علم جلوگیری به عمل آورند. گذشته از مسئله آموزش خواندن و نوشتن در روایات اشاره به آموزش دین به فرزندان بسیار رفته‌است. از جمله روایتی که از علی (ع) آمده که در آن تاکید بر آموزش قرآن به فرزندان شده‌بود

اسلام بدین ترتیب بر آن است که جهل و بی‌سوادی و بی‌فرهنگی را از دامن جامعه اسلامی و بلکه جامعه بشریت بزدايد. جهلی که سرچشمه همه آفات و بلیات جوامع انسانی است.

پیامبر اکرم (ص) نیز نسبت به باسواد شدن مسلمین و فراگیری خواندن و نوشتن ایشان، عنایتی خاص داشت، تا بدانجا که در جنگ بدر شرط رهایی دشمنان اسلام را که به اسارت گرفته شده بودند، آموزش خواندن و نوشتن به مسلمانان دانست.

این حادثه در اولین سال‌های تشکیل حکومت





همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:
 "هرکه طفلی را تربیت کند بالااله‌الله کوید
 خدا از او حساب نخواهد."

در این حدیث بسیار کوتاه معانی و مفاهیمی
 بسیار وسیع نهفته است.

سعادت و رستگاری انسان در اعتقاد —
 لااله‌الله نهفته است. همچنان که آیه کریمه
 می‌فرماید: "قولوا لااله‌الله تفلحوا..."
 مسلم است که اگر کودکان در جامعه اسلامی از
 او ان کودکی با این شعار پرورش یابند اسلام بیمه
 خواهد شد. همچنان که امامت می‌فرماید، اگر
 بچه‌های کوچک اسلامی باریابند، استقلال و
 آزادی مملکت بیمه خواهد شد.

لااله‌الله نفی تمامی طاغوتها و شعار آزادی
 و شرف است و بنا بر فرمایش امام رضا (ع) در
 روایت سلسله‌الذهب لااله‌الله، حسن و قلعهای
 است که هرکه در آن وارد آید در امان خواهد بود
 امروز به شکرانه انقلاب و با عنایات خدای تعالی
 که بر ما منت نهاده، اسلام را بر ما عرضه داشت
 زمینه در این مملکت اسلامی برای آموزشهای
 دینی و رشد فکری و اعتقادی فراهم است. لذا
 پدران و مادران باید بیش از پیش در جهت دادن
 آموزشهای اسلامی و مجهز نمودن فرزندان خود به
 سلاح محکم مکتب تلاش کرده، خود و فرزندان
 خود را به رستگاری دنیوی و اخروی رسانند.

آماده کردن کودکان برای میدانهای جهاد
 از دیگر حقوق مهمی که اسلام بر عهده پدر و
 مادر نسبت به فرزندان نهاده است، پرورش
 جسم و روح فرزندان است برای میدانهای جهاد
 فردا. حیات و زندگی جامعه اسلامی در جهاد
 نهفته است. و چون کودکان از لحاظ روحی و

اعتقادی با اسلام آشنا و معتقد و وابسته به این
 مکتب الهی شد، باید فراگیرد که از مکتب و
 مذهب خود دفاع کند. در زمان پیامبر اکرم
 (ص) حکومت و جامعه اسلامی با جهاد — به
 رشد رسیده، از سیصد و اندی مسلمان و شهر
 کوچک مدینه، به صدها هزار مسلمان و نا
 اقصی نقاط جهان گسترش یافت. اهمیت
 جهاد بویژه در جامعه اسلامی ما بر کسی
 بوسیده نیست و امروز نیز شاهدیم که —
 حیثیت و شرف دنیا و آخرت ما با جهاد،
 استوار و پایرجا خواهد بود. علی (ع) در باره
 جهاد می‌فرماید: "ان الجهاد باب من ابواب
 الجند" جهاد دربی است از دریهای بهشت!
 اسلام ناکید بسیار بر آمادگی نظامی مسلمین
 در هر حال، حتی در حال صلح دارد. جامعه
 اسلامی باید جامعه‌ای قدرتمند و مدافع و مجهز
 باشد. و این آمادگی و تجهیز را باید از تربیت
 و پرورش کودکان آغاز نمود. در روایات و
 احادیثی چند اشاره بر این شده است که از
 حقوق فرزندان آن است که ایشان را اسب —
 سواری و تیراندازی و شنا آموزشند. و حتی
 شرط بندی را در مورد تیراندازی و اسب سواری
 جایز دانسته است.

باید توجه داشت که وقتی سخن از آمادگی و
 تربیت در تیراندازی و اسب سواری می‌رود، این
 آمادگی تنها مختص به این دو نمی‌شود. شاید
 بتوان گفت که این دو، نشانگر قدرت در میدان
 جنگ است. و اگر امروز به جای تیر و کمان و
 اسب، تانک و توپ و تفنگ و... به میدان
 آمده است، باید در استفاده از این تجهیزات
 ایجاد آمادگی نمود. لذا اصل نوع تجهیزات و
 اسباب جنگی نیست، بلکه اساس تقویت قدرت
 نظامی است، در هر شکل آن.

عدالت و احترام

اسلام ، بسیار تأکید نموده است که والدین با فرزندان خود با عدالت و احترام رفتار نمایند . حتی در بوسیدن آنها !
پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید :

" خداوند دوست دارد که میان فرزندان حتی در بوسیدن آنها به عدالت رفتار کنید " .
اسلام نسبت به شخصیت بخشیدن به کودکان و رعایت عواطف آنان توجهی خاص دارد تا آنجا که آمده است ، اگر پدری هم دارای دختر است و هم پسر ، وقتی وارد خانه می‌شود ابتدا دختر خویش را ببوسد و اگر هدیه‌ای بر فرزندان آورده است ، ابتدا به دختر هدیه دهد . و این حاکی از روانشناسی دقیقی است در وجود و عواطف که ناءبیری عمیق در شخصیت بخشیدن به دختر و پسر ، هر یک با رعایت روحیات و عواطف خاص خود دارد .

علی (ع) در راه مادری را دید که همراه دو فرزند خویش است و سه خرما در دست دارد . دو خرما را به دو فرزند خود داده ، خرمای سوم را از میان نصف کرد و هر نیمی را به یکی از فرزندان داد . علی (ع) به مادر می‌فرماید :
برای همین عدالتت به بهشت خواهی رفت !
رسول اکرم (ص) می‌فرماید :

" از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید ، همانطور که می‌خواهید با شما به نیکی رفتار کنند " .

برای پرهیز از اطاله کلام ، در پایان ، عناوین برخی حقوق فرزند را بر والدین آورده ، اشاره می‌کنیم که وظیفه و تکلیف پدر و مادر نسبت به فرزند خود بسیار گسترده است که

بحث آن در این نوشتار کوتاه نمی‌گنجد :
- رعایت احوال کودک در دورانی که هنوز جنین است .

- انتخاب نام نیک برای کودک .
- آموزش قرآن و احکام و مسائل دین .
- آموزش علوم ، اعم از علمی که وی را در کسب معاش یاری رساند و علمی که در کسب معرفت او را سودمند باشد .
- آموزش خواندن و نوشتن .
- آراستن کودک به ادب .
- تلاش جهت خوب نمودن فرزند .
- تهیه غذا و پوشاک خوب برای او .
- احترام به کودک .

- رعایت عدالت در رفتار با فرزندان ، حتی بر بخشش و بوسیدن .
- پرورش جسم و روان کودک .
- آموزش نظامی و آمادگی بخشیدن به وی برای میدان جهاد و مبارزه و دفاع . (چون آموزش تیراندازی و شنا و ...)

- اختیار همسر برای فرزندان در وقت مناسب به جهت یاری او در حفظ تقوی و عفت .
- الگو بودن اخلاق و رفتار والدین برای فرزندان . پیامبر اکرم (ص) در بخشی از حدیثی می‌فرماید : " انسان نباید به طفل خود وعده دهد و وفا نکند " .

- حتی آموختن به فرزندان که با والدین خود چگونه رفتار کنند . پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید : " خدا رحمت کند پدری را که فرزند خود را کمک کند تا با پدر نیکی تواند کرد " .

نکته‌ای دیگر که از این حدیث بدست می‌آید آن است که پدر با نیکی کردن خود به فرزند ، کمک کند به نیکی کردن فرزند به وی .